

Submit Date: 24 September 2025
Revise Date: 10 February 2026
Accept Date: 17 February 2026
Initial Publish: 26 February 2026
Final Publish: 22 December 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Identifying the Criminological Approach of Iranian Law to Monetary Fines

Reza Pirouzeh*¹

1. MA, Department of Law, University of Mazandaran, Babolsar, Mazandaran, Iran

* Corresponding Author's Email: reza.pirozeh74@gmail.com

ABSTRACT

The criminological approach emphasizes the alignment of the prescribed punishment with the committed offense. This study examines the criminological approach to monetary fines in Iranian law. In recent years, and particularly under Iran's newer legislation, monetary fines have been welcomed by the Iranian legislature as an important and facilitative legal institution. In general, within the criminological approach of Iranian law, one of the preventive strategies to mitigate the adverse consequences of imprisonment is the use of alternatives to short-term custodial sentences, with monetary fines being considered both as a complementary punishment and, in some cases, as an independent punishment for minor offenses. The findings of the present study, which was conducted using a descriptive–analytical method, indicate that the primary objective of the Iranian legislature in adopting a punitive approach to monetary fines is rooted in criminological considerations (deterrence and crime prevention, substitution for imprisonment and other penalties). While monetary fines are not beneficial for all types of crimes, they have demonstrated a high deterrent effect in certain offenses, particularly financial and economic crimes. Moreover, an examination of the conditions and modalities of enforcing monetary fines suggests that, within Iran's criminal policy, minimal institutional foundations have been established for the application of non-custodial sanctions. Furthermore, in Iran's recent legislation—specifically the Islamic Penal Code and the Criminal Procedure Code enacted in 2013—innovations have been introduced to remedy shortcomings of prior laws in the area of monetary fines. These include the imposition of monetary fines on legal persons, substitution of community service in lieu of monetary fines, calculation of pretrial detention periods and deduction of such periods from monetary fines, among others, all of which are examined in detail in this study.

Keywords: *Criminology, Iranian Law, Monetary Fines*



تاریخ ارسال: ۲ مهر ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۲۱ بهمن ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۲۸ بهمن ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ اولیه: ۷ اسفند ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

شناخت رویکرد کیفرشناسی حقوق ایران به جزای نقدی

رضا پیروزه^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: reza.pirozeh74@gmail.com

چکیده

رویکرد کیفرشناسی تاکید خود را بر تطابق مجازات تعیین شده با جرم ارتكابی در نظر گرفته است. در این تحقیق به بررسی رویکرد کیفرشناسی جزای نقدی در حقوق ایران پرداخته است. در سالهای گذشته و همچنین قوانین جدید ایران جزای نقدی به عنوان نهادی مهم و راهگشا مورد استقبال قانونگذار ایران قرار گرفته است. به طور کلی در رویکرد کیفرشناسی حقوق ایران یکی از راهکارهای پیشگیرانه از آثار سوء اجرای حبس استفاده از جایگزین‌های حبس‌های کوتاه مدت جزای نقدی است که به عنوان مجازات مکمل و حتی مجازات مستقل برای جرایم کم اهمیت در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از تحقیق پیش رو که به روش توصیفی تحلیلی تدوین گردیده است، حاکی از آن است که هدف اصلی قانونگذار ایران از اتخاذ رویکرد کیفری به جزای نقدی جنبه‌های کیفرشناسی (بازدارندگی و پیشگیری از جرم، جایگزینی آن به جای حبس و سایر کیفرها) می‌باشد و همچنین کیفر جزای نقدی در قبال همه جرایم سودمند نبوده اما در بعضی جرایم به خصوص جرایم مالی و اقتصادی نقش بازدارندگی بالایی داشته است و از طرفی با مطالعه در خصوص شرایط و چگونگی اجرای جزای نقدی، می‌توان گفت توجه به رویکرد سیاست جنایی ایران به مجازات‌های جایگزین زندان به نظر می‌رسد که بسترهای حداقلی برای به کارگیری مجازات جزای نقدی فراهم آمده باشد؛ از طرفی در قوانین جدید ایران (ق. م. ا. و ق. آ.د.ک. ۱۳۹۲) برای رفع معایب قوانین سابق نوآوری‌هایی در زمینه جزای نقدی صورت گرفته است؛ در نظر گرفتن جزای نقدی برای اشخاص حقوقی، جایگزینی خدمات عمومی به جای جزای نقدی، احتساب ایام بازداشت قبلی و کسر مدت آن از جزای نقدی،... می‌باشد که در این تحقیق به تفصیل آورده شده اند.

کلیدواژگان: کیفرشناسی، حقوق ایران، جزای نقدی

مقدمه

انسان محتاج به جامعه، جامعه نیازمند قانون و استقرار قانون منوط به وجود ضمانت اجراهاست. ابتداء مجازات‌های بدنی ضمانت اجرای نقض بسیاری از مقررات بود. بتدریج افکار تازه با احتیاجات نوین وضع کیفرها را تغییر داد به نحوی که از خشونت‌های قبلی تا حدی کاسته شد.

متعاقب آن فکر ایجاد مجازات‌هایی اثربخش با توجه به نوع جرم ارتكابی و سایر عوامل دیگر مورد توجه قرار گرفت و کیفرها تنوعی چشمگیر یافتند. با این تنوع، تفکرات اصلاحی، دیگر گزینش بی ضابطه کیفرها را برای هر جرمی نمی‌پذیرد. از این میان امروزه جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرای بسیاری از جرایم و حتی در نقش مجازات جانشینی میدان عمل وسیع و اهمیت شایانی یافته است؛ زیرا از یک سو نهایتاً با اجرای آن دولت منتفع می‌شود و از سوی دیگر به عنوان ضمانت اجرای بر هم زدن نظم عمومی ابزاری است در دست مقنن که نقش کیفری خود را در میان دیگر مجازات‌ها ایفاء می‌کند. چنین طبع دوگانه‌ای که خاص جزای نقدی است، مباحث زیادی را در بین حقوقدانان برانگیخته، بطوری که حتی در ماهیت آن تشکیک شده است. همین امر باعث گردیده که بسان سایر مجازات‌ها بی اختلاف و مناقشه اعمال و اجراء نگردد. از اینرو گاه اهداف و اصول مسلم حقوق کیفری نیز در ارتباط با اعمال و اجرای این کیفر نادیده گرفته شده است. حتی با آن به چهره‌ای متفاوت از سایر مجازات‌ها در برخورد با نهادهای حقوقی حقوق کیفری از قبیل تعدد، تکرار، تخفیف و تعلیق.. نگریسته شده است. جزای نقدی یکی از اقسام مجازات‌ها به عنوان ضمانت اجرای در نقش مجازات جایگزین در زمره مجازات‌هایی می‌باشد که به دلایل مختلف مورد استقبال سیاست جنایی تقنینی کشورهای مختلف از جمله ایران قرار گرفته است و درصد قابل توجهی از مجازات‌های مندرج در متون کیفری را به خود اختصاص داده است (Goldoziyan, 2022). جزای نقدی

عبارت است از الزام محکوم به پرداخت مبلغی تحت عنوان مجازات به خزانه دولت. هدف اصلی از برقراری جزای نقدی مدنظر قرار دادن اهداف کیفری است و هدف مالی از آن غیر مستقیم و کم رنگ است. قانونگذار جزای نقدی را برای جرایم پرخاطر، آنجا که امنیت داخلی و خارجی و آسایش عمومی به گونه‌ای شدید در معرض خطر می‌باشد، برقرار نکرده است و به نظر می‌رسد، هدف از برقراری این کیفر تا حدی بر پایه پرهیز از زندان‌های کوتاه مدت بوده است (Rostami, 2024). این مجازات در صور مختلفی چون جزای نقدی ثابت، جزای نقدی نسبی و جزای نقدی روزانه متبلور می‌گردد؛ استفاده بی رویه از جزای نقدی در حقوق کیفری ایران با انتقاداتی مواجه است؛ چرا که بیم نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها و عدالت در آن وجود دارد و از سوی دیگر با وجود عاملی به نام تورم، از بازدارندگی و اثربخشی آن به مرور زمان کاسته می‌شود. با توجه به رویکرد حقوق ایران به جزای نقدی باید گفت که در قانون مجازات اسلامی جزای نقدی بعنوان یکی از اقسام مجازات تعزیری و بازدارنده بر شمرده شده است. با این حال تردیدی در مجازات بودن آن با توجه به تصریح مقنن وجود ندارد. هدف اصلی مقنن از در نظر گرفتن جزای نقدی، هدف کیفری بوده و نظر به اهداف و اصول حاکم بر مجازات‌ها جزای نقدی دولت نمی‌تواند به عنوان یک طلب از آن برای خود یاد کند زیرا که با فوت و جنون محکوم علیه ساقط می‌گردد. همچنین بنظر می‌رسد هدف قانونگذار از اتخاذ این رویکرد در وضع این کیفر تا حدودی بر پایه پرهیز از زندان‌های کوتاه مدت بوده است. در سیستم تبدیل حبس به جزای نقدی، مقنن به لحاظ احتراز از معایب زندان‌های کوتاه مدت جزای نقدی را جانشین آن قرار داده است ولی از آنجایی که بواسطه عدم پرداخت آن محکوم علیه بازداشت می‌گردد نقض غرض محسوب می‌شود و این بازداشت بدل از جزای نقدی عنوان قائم مقامی و جانشینی جزای نقدی را دارد (Roudkhanegi, 2022). به هر

گذاشته است پرداخته شده است. در نظر گرفتن جزای نقدی به عنوان مجازات تکمیلی و یا جایگزین بدون در نظر گرفتن شرایط دیگر سبب به وجو آمدن ناعدالتی در این زمینه بوده است (Roudkhanegi, 2022).

قانونگذار حقوق ایران به نحو چشمگیری به سمت استفاده از نهاد جزای نقدی گرایش پیدا کرده است، استفاده روزافزون از این نهاد باعث توجه حقوقدانان و مسئولین و پژوهشگران به این نهاد گردیده است؛ نهاد جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس و حبس‌های کوتاه مدت از اقبال زیادی برخوردار بوده و تا حدودی چهره رویکرد کیفری ما را متفاوت کرده است و در جهت کم کردن از جمعیت زندان‌ها به خاطر جرایم کم اهمیت گام مثبتی محسوب می‌شود که ضروری است جزئیات و ماهیت این نهاد و همچنین کیفیت اجرای آن در تحقیق جامع و کامل آورده شود؛ باید گفت که در زمینه جزای نقدی و رویکرد کیفری به آن علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد آن تاکنون مورد موشکافی قرار نگرفته‌اند و تا حدودی ابهام و اجمال حاکم بر این مجازات وجود دارد. همچنین نویسندگان کتب حقوق جزایی نیز یک یا چند صفحه بیشتر را به این موضوع اختصاص نداده‌اند از این رو تحقیق حاضر با توجه به اهمیت این موضوع به مبحث جزای نقدی و رویکرد کیفرشناسی حقوق ایران به آن را مورد توجه قرار داده است. از طرفی نیز تبدیل حبس به جزای نقدی یکسری از مزایای حبس را عملاً ملغی نموده و محکوم تنها ملزم به پرداخت جزای نقدی یا تحمل حبس بدل آن خواهد بود. در نتیجه، به جای اینکه جزای نقدی طریقی در جهت اصلاح و تربیت مجرم باشد، به روشی در جهت پرداخت جزای نقدی مبدل شده است. این امر مغایر با اهداف و نتایج مورد انتظار از جزای نقدی بوده و محکومینی که توان پرداخت جزای نقدی را نداشته و متمکن از آن نباشند؛ ملزم به تحمل حبسی خواهند شد که قانونگذار آن را ملغی و جزای نقدی را جایگزین آن نموده است. این اقدام منجر به تسلسل و

ترتیب با توجه به اینکه لطمات فردی و اجتماعی ناشی از جرم، بصورت ریالی قابل محاسبه نیست، نه تنها احکام جزای نقدی مجرمین دارای انگیزه مالی را متنبه نکرده و موجب پیشگیری از جرم آنچنان که باید نشده است و برای دولت درآمد زایی نداشته، بلکه زمینه افزایش جمعیت زندان‌ها و تحمیل هزینه‌ها و مشکلات ناشی از آن را نیز بر جامعه فراهم نموده است (Haghi, 2021). در زمینه جزای نقدی و چگونگی به کارگیری آن در حقوق کیفری ایران متون و کتب زیادی مشاهده می‌شود که در اینجا به عنوان نمونه چند مورد از آنها آورده می‌شود؛ ایرج گلدوزیان (۱۴۰۱) در کتاب "بایسته‌های حقوق جزای عمومی" در جلد سوم، به طور مختصر در باب مزایا و معایب مختلف جزای نقدی در امر کیفری پرداخته است و با دیدی بینابینی به مسئله جزای نقدی به عنوان یکی از مجازات‌های کیفری پرداخته است و آن را تا حدودی مثبت ارزیابی کرده است (Goldoziyan, 2022). مرتضی شهباز (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "جستاری در جایگزینی متقابل دو مجازات زندان و جزای نقدی" به مطالعه در رویکرد حقوق کیفری ایران به مقوله جزای نقدی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران پرداخته است و به بررسی قابلیت جایگزینی حبس با جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و همچنین اختیارات مقام قضایی در صدور اینچنین آرای پرداخته است (Shahbaz, 2022). مهدی رستمی (۱۴۰۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی مجازات جریمه (جزای نقدی) در سیاست جنایی ایران" به بررسی رویکرد سیاست گذاری حقوق ایران نسبت به جزای نقدی پرداخته است. در این تحقیق به تفصیل راجع به جنبه‌های مختلف نگاه قانونگذار ایران به جزای نقدی به عنوان عاملی بازدارنده و همچنین نتایج آن پرداخته شده است (Rostami, 2024). حسن مراد رودخانگی (۱۴۰۳) "جرم شناسی احکام جزای نقدی" عنوان پایان نامه‌ای است. که در این نوشتار به طور اختصاصی به بررسی جزای نقدی و تأثیراتی که در بازدارندگی از جرایم مختلف بر جای

of Financial Convictions (Enacted 2015)," 2015
 "Law on the Enforcement of Financial
 Convictions (Enacted 2021)," 2021
 می‌باشد.

مبانی پژوهش

در بخش پیش رو برای آشنایی با ماهیت و کیفیت جزای نقدی و رویکرد کیفرشناسی حقوق ایران به آن به تعریف و بررسی مفاهیم کلی در این تحقیق می‌پردازیم و نظرات اندیشمندان و حقوقدانان برجسته داخلی و بین‌المللی را در رابطه با این مفاهیم می‌آوریم، تا در قسمت بعد بتوانیم به بررسی جنبه‌های مهم جزای نقدی در حقوق ایران بپردازیم. معرفی یک تعریف کامل و همه شمول از جزای نقدی کار دشواری است؛ لیکن از آنجایی که ذکر تعریفی که تمام خصایص و ویژگی‌های آنرا در برداشته باشد، ممکن نیست؛ لذا بررسی ماهیت و خصایص جزای نقدی جهت درک بهتر این کیفر نیز مفید به نظر می‌رسد. از جمله معمول‌ترین مجازات‌ها برای جلوگیری از وقوع و تکرار جرم جزای نقدی می‌باشد؛ که عبارتست از اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد. این مجازات سابقه تاریخی طولانی دارد. حتی در قدیم‌ترین اعصار نیز مرسوم بوده است. در طی قرون و اعصار تنها موارد اخذ، میزان و نحوه وصول آن تغییر و تحول پیدا کرده است. در ادامه به تعاریفی مختلف از آن می‌پردازیم. جزا در لغت به معنی کیفر، پاداش و مکافات است. نقد در لغت به معنی آنچه در حال داده می‌شود، خلاف نسیه، مال حاضر، وجه حاضر و یا آن چیزی است که به وجه نقد و رایج پرداخت شود. همچنین بعضی آنرا به معنی: پول یا بهاء آنچه فی الحال داده می‌شود، بکار برده‌اند. از نظر اصطلاحی قانون ایران جزای نقدی را تعریف نکرده و سابقه‌ای از آن در قوانین دیده نمی‌شود. برخی از حقوقدانان تعریفی از این اصطلاح ارائه نموده‌اند که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود: دکتر عبدالحسین علی‌آبادی در تعریف آن می‌گوید: الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد (Aliabadi, 1984). دکتر ملک اسمعیلی آنرا اینگونه تعریف می‌کند: عبارتست از محکومیت

دور باطلی در اعطای حبس کوتاه مدت با ماهیتی متفاوت از حبس اصلی و به تعبیر دیگر دفع فاسد به افسد شده است. در تحقیق پیش رو بر آنیم تا به بررسی چگونگی رویکرد حقوق کیفری ایران به در نظر گرفتن جزای نقدی به عنوان کیفر در حقوق ایران بپردازیم و همچنین به کیفیت و چگونگی استفاده از جزای نقدی به عنوان جایگزین یا مکمل کیفر و همچنین مزایا و معایب آن پرداخته شود. بررسی جنبه‌های مختلف و اهداف مد نظر از اجرای جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و همچنین مشخص نمودن اهداف از رویکرد کیفرشناسی به مسئله جزای نقدی در حقوق ایران از جمله اهداف این تحقیق می‌باشد. به طور خلاصه، اهداف پژوهش عبارت است از:

- شناخت رویکرد کیفرشناسی حقوق ایران به جزای نقدی
- یافتن علل گرایش مقنن به استفاده از جزای نقدی به عنوان کیفری جایگزین و تکمیلی
- شناخت مزایا و معایب جزای نقدی در سیستم قضایی کشور
- بررسی شرایط، موارد و وضعیت اعمال جزای نقدی به جای کیفرهای دیگر
- بررسی قابلیت جایگزینی جزای نقدی به جای دیگر کیفرها

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد. همچنین روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رجوع به کتب و مقالات دست اول و معتبر و مراجعه به سایت‌های معتبر علمی و همچنین قوانین مربوطه (Civil Liability Act "Code of Criminal Procedure (Enacted 2013)," 2013; "Code of Criminal Procedure for General and Revolutionary Courts in Criminal Matters (Enacted 1999)," 1999; "Executive Bylaw of the Law on the Enforcement of Financial Convictions (Issued 2013)," 2013; "Islamic Penal Code (Enacted 2011)," 2011; "Islamic Penal Code (Enacted 2013)," 2013; "Law on the Adjudication of Driving Offenses (Enacted 2011)," 2011; "Law on the Enforcement

۳- جزای نقدی همانند سایر مجازات‌ها واجد خصیصه شخصی است؛ یعنی فقط محکوم علیه مسئول پرداخت آن می‌باشد. بدین لحاظ با فوت وی مجازات ساقط می‌شود و وارث اگر چه جانشین مورث خود هستند، مع الوصف این جانشینی شامل مسئولیت کیفری نمی‌شود و تنها از لحاظ جبران خسارت چنانچه اموالی به آنها ارث رسیده باشد، مسئول پرداخت خسارت ناشی از جرم هستند و در صورت عدم پرداخت خسارت متضرر، مشارالیه می‌تواند علیه ایشان (وارث) اقامه دعوی نماید.

۴- مسئولیت محکوم علیه کیفری که ملزم است جزای نقدی را بپردازد، بر پایه و اساس عمد یا خطای ارتكابی است. این در حالی است که میزان خسارت زیان دیده نظر به تقصیر و مسئولیت مدنی مرتکب با توجه به ایجاد خسارت وارده به زیان دیده تقویم می‌گردد (Ashouri, 2020).

۵- مسئولیت شرکاء در ورود خسارت تا میزان زیان وارده است و به هیچ وجه بیشتر از خسارات واقعی نخواهد بود. ولی مجازات جزای نقدی برای احد از شرکاء، برابر با مجازات فاعل مستقل جرمی است که جزای نقدی کیفری آن تعیین شده است. به این طریق جمع جزای نقدی می‌تواند چند برابر مبلغ تعیین شده در قانون باشد.

۶- شاکی خصوصی برای مطالبه زیان و خسارت باید در مقام مدعی خصوصی قرار گیرد و دادخواست ضرر و زیان تسلیم کند. در صورتی که جزای نقدی به موجب تقاضای دادستان بر مرتکب اعمال می‌گردد.

۷- در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم، دادگاه مباشر و شریک و معاون جرم را به تناسب مسئولیت هر یک به پرداخت ضرر و زیان محکوم می‌نماید. لیکن محکوم علیهم نسبت به پرداخت کل ضرر و زیان مسئولیت تضامنی دارند... این در حالی است که مسئولیت تضامنی در جزای نقدی بسیار محدود و استثنایی است و اصل

محکوم به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات به خزانه دولت (Malek Esmaeili, 2018). دکتر سمیعی در تعریف آن می‌نویسند: جزای نقدی عبارت از محکومیت مجرم است به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات (Samiei, 2011). دکتر تقی خانی در تعریف جزای نقدی می‌گوید: عبارت است از پول رایجی که مجرم به عنوان مجازات مکلف به پرداخت آن می‌باشد در اینجا نیاز است به بررسی تعاریف ارائه شده بپردازیم که هر کدام چه جنبه‌هایی از مفهوم جزای نقدی را پوشش داده اند. تعریفی را که دکتر علی آبادی ارائه نموده اند، مبنی بر الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد، مانع نمی‌باشد. زیر علاوه بر جزای نقدی، جریمه مدنی و خسارت ناشی از جرم... را هم شامل می‌شود. تعریف جزای نقدی به اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد از سوی دکتر آخوندی، نه تنها عیب تعریف را داراست، اساساً از این نظر که واژه متهم در حقوق جزا به کسی گفته می‌شود که انتساب جرم به او محرز نیست و نقطه مقابل مجرم بکار می‌رود (Taghi Khani, 2020)، عیوب تعریف را دو چندان می‌کند. برای تمیز درست جزای نقدی از خسارت ناشی از جرم، وجوه تفارق جزای نقدی از خسارت در چند بند بیان می‌گردد.

۱- جزای نقدی به موجب نص صریح قانون بنابر اصل قانونی بودن مجازات، به عنوان ضمانت اجرای نقض امر و نهی مقنن تعیین می‌شود. در حالیکه خسارت ناشی از جرم به موجب قاعده کلی (هر کس به دیگری زیانی وارد کرد باید آنرا جبران کند) و با توجه به میزان خسارت وارده تعیین می‌گردد.

۲- موضوع جریمه تنبیه مجرم از جهت آشوب اجتماعی است که مرتکب شده است در صورتیکه خسارت عبارت است از جبران زیان وارده بر فرد (Aliabadi, 1984). به عبارت دیگر، مجرم با دادن جزای نقدی کیفر می‌بیند در حالی که با الزام به جبران خسارت، آثار مدنی جرم خود را جبران می‌کند.

۵- جزای نقدی کیفر تخطی از مقررات موضوعه است که به نحوی از انحاء به جهت حفظ نظم عمومی بر متخلف اعمال می‌گردد. لیکن دیه ضمانت اجرای جنایت بر نفس، عضو یا منفعت می‌باشد.

۶- مبلغ جزای نقدی به خزانه دولت واریز می‌گردد. اما علی‌الاصول دیه به اولیاء مقتول یا مجنی علیه پرداخت می‌شود.

۷- در پاره‌ای از موارد و در خصوص گروهی از بزهکاران، با شرایطی تعلیق جزای نقدی پذیرفته شده است. لیکن چون دیه حق مجنی علیه یا اولیاء دم می‌باشد، چنین تأسیس حقوقی‌ای در آن راه ندارد.

۸- ضمانت اجرای عدم پرداخت جزای نقدی، بازداشت بدل از جزای نقدی است که در ازاء مبلغی از جزای نقدی قرار دارد و با گذشت مدتی از بازداشت از میزان جزای نقدی کسر می‌شود. حال آنکه عدم پرداخت دیه منجر به بازداشت جانی نمی‌گردد، مگر اینکه مجنی علیه یا اولیاء دم چنین درخواستی را از دادگاه بنمایند. در اینصورت بازداشت در ازاء مبلغی از دیه قرار نمی‌گیرد و از مقدار دیه کسر نمی‌شود.

۹- مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت، حسب مورد در موارد عمدی یکسال و در شبه عمد دو سال و دیه خطاء محض سه سال (قمری) می‌باشد. حال آنکه چنین مهلتی در پرداخت جزای نقدی نیست و بلافاصله بعد از لازم الاجرا شدن حکم، باید پرداخت شود.

جرایم مالیاتی

جریمه مالیاتی و جزای نقدی در یک نقطه اشتراک دارند که هر دو به حساب خزانه دولت واریز می‌گردند، و هر دو به موجب نص قانونی

برقرار می‌گردند. با این وجود، جریمه مالیاتی، تفاوت‌های ذیل را با جزای نقدی دارا می‌باشد:

عدم مسئولیت تضامنی است که نقطه مقابل اصل مسئولیت تضامنی در پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم می‌باشد.

۸- عواملی که در تعیین میزان جزای نقدی دخیلند همانند کیفیات مخفیه، تعدد و تکرار جرم همچنین تعلیق جزای نقدی در خسارت ناشی از جرم پذیرفته نیست. اداره حقوقی در نظریه خود می‌گوید: خسارت وارده بر دولت امر حقوقی بوده و هر چند در دادگاه کیفری مورد رسیدگی قرار گیرد قابل تعلیق نیست.

دیه

۱- بر اساس اصل شخصی بودن کیفرها در صورت فرار محکوم علیه، اگر وصول جزای نقدی به تعویق افتاد و کسی غیر از مجرم مسئول پرداخت آن نباشد. لیکن در صورت فرار مرتکب در جنایات شبه عمد یا خطای محض، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود. در صورت عدم کفایت مال مرتکب یا نداشتن مال، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.

۲- در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با قسامه، علم قاضی و یا بینة اثبات گردد، پرداخت دیه بر عهده عاقله می‌باشد حال آنکه رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها موجب می‌شود که مسئول پرداخت جزای نقدی صرفاً محکوم علیه باشد و شخص دیگر بار کیفر ایشان را به دوش نکشد.

۳- در جزای نقدی قاعده عدم جمع مجازات‌ها اعمال می‌گردد. در حالی که در خصوص دیه می‌بایست جمع آنها را پذیرفت.

۴- رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها، ایجاب می‌کند که با فوت محکوم علیه، جزای نقدی همانند مجازات‌های حبس و شلاق ساقط شود. اما صرفنظر از اختلافات در زمینه ماهیت دیه، باید گفت که فوت جانی باعث سقوط دیه نمی‌گردد. و از ماترک باید پرداخت شود.

جریمه مدنی

۲- اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بر عدم اسقاط آن نظر دارد: در صورت فوق متهم، مرجع کیفری به استناد بند یک ماده ۸ قانون آئین دادرسی کیفری نسبت به مجازات تعزیری، قرارموقوفی تعقیب صادر می‌نماید ولی دیه چون به منزله دین است، ساقط نمی‌شود و به ترتیب مقرر در قانون از اموال یا اقارب یا بیت المال باید استیفاء شود. (نظریه شماره ۱۱۸۳ مورخه ۲۶/۳/۱۳۶۶)

جریمه مدنی را وجه التزام، شرط جریمه و شرط جزا نیز گویند. جریمه مدنی یا شرط جزایی شرطی است

از شروط ضمن عقد (و یا خارج از عقد اصلی) که به موجب آن طرفین عقد میزان خسارت ناشی از عدم اجراء تعهد یا سوء اجراء تعهد را قبلاً و به طور مقطوع معین می‌کنند و آن میزان از خسارت را در اصطلاحات حقوقی کنونی ما وجه التزام نامند (Jafari, 2021).

سوء اجراء تعهد می‌تواند تأخیر در انجام تعهد باشد. بنابراین چنانچه طرفین مبلغی را در صورت عدم تأخیر در اجرای تعهد معین نمایند آنرا جریمه تأخیر نیز می‌گویند. ماده ۳۰ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف مبلغی بعنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند. علاوه بر آن جریمه مدنی در موردی است که شخص از حقوق خود تجاوز کرده یا مرتکب عملی شود که به دیگری ضرر وارد آید. مثلاً اگر کسی از حق پژوهش خواستن سوء استفاده کند و به وسایل متعدد به منظور خسته کردن طرف استعفا بدهد محکوم به جریمه حقوقی می‌شود (Houman, 2020).

جریمه انتظامی

جریمه انتظامی الزام به پرداخت وجه نقد یا کسر حقوق عضوی از اعضاء یک دسته یا گروه و یا سازمان در قبال تخلف، تقصیر قصور از مقرراتی که برای حفظ و صیانت آن گروه و سازمان

۱- قاعده عدم جمع مجازات‌ها که در خصوص مجازات‌ها اعمال می‌گردد در جریمه مالیاتی اعمال نمی‌شود. جریمه‌های مالیاتی به هر تعداد باشند با یکدیگر جمع می‌شوند و متخلف می‌بایستی همه آنها را در حق دولت پرداخت نماید. به عبارت دیگر جریمه‌های مالیاتی در تعدد جرم با یکدیگر جمع می‌شوند ولو که تعداد جرم و میزان جریمه زیاد باشد در صورتی که طبق اصل غیرقابل جمع بودن مجازات، آن مجازاتی که شدیدتر است باید اجرا شود... (Garraud, 2019).

۲- در جریمه‌های مالیاتی غیر از موارد استثنایی، محکومین نمی‌توانند از اعطاء کیفیات مخففه بهره مند شوند و فقط به جای کیفیات مخففه، ممکن است ادارات مربوطه با متخلف سازش نمایند و بدیهی است که سازش در امر کیفری (جزایی) بر خلاف نظم عمومی است (Ardabili, 2014).

۳- جریمه مالیاتی به وسیله مراجع غیر قضایی تعیین و در صورت عدم پرداخت، اموال منقول یا غیر منقول مودی متخلف توقیف و از آن طریق وصول می‌گردد. صدور توقیف و دستور اجرای آن به عهده اجرائیات اداره امور اقتصادی و دارایی می‌باشد. لیکن اعمال وصول جزای نقدی با دخالت مقامات قضایی صورت می‌گیرد و عدم پرداخت آن نیز در حقوق ما ضمانت اجرای بازداشت بدل از جزای نقدی است.

۴- از آنجایی که جریمه مالیاتی به وسیله مراجع غیر قضایی تعیین می‌شود، نتیجتاً به هر میزان که باشد، موجب سوء پیشینه کیفری نمی‌گردد. جریمه‌های مالیاتی اگر چه وسیله قاضی جزایی اعلام گردد باز هم نمی‌توان یک مجازات کیفری به معنای اخص کلمه باشد در نتیجه جریمه مالیاتی خصیصه جبران خسارت وارده به خزانه عمومی را حفظ می‌کند (Ashmolek & Pica, 2015).

در حالی که با اصدار حکم محکومیت به جزای نقدی در صورت انطباق با قانون تعریف محکومیت موثر، در قوانین جزایی، مجرم سوء پیشینه کیفری پیدا می‌کند.

آن درباره اقدامات تأمینی و تربیتی نیز صادق است (Ardabili, 2014)؛ و با کمی اقباض این اصل را می‌توان به جزای نقدی به عنوان یک نوع کیفر متداول نیز تعمیم داد. در قانون اساسی ما نیز این اصل مد نظر مقنن قرار گرفته است. اصل سی و ششم قانون اساسی در بیان این مهم مقرر می‌دارد: حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۳- به جریمه انتظامی، غرامت انتظامی نیز گفته می‌شود.

مطابق این اصل، اولاً هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار گیرد، مگر از طرف مقنن وضع شده باشد. ثانیاً هیچ دادگاهی صالح برای رسیدگی به عملی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است، نمی‌باشد، مگر اینکه قانون آنرا صالح بداند و ثالثاً هیچ مجازاتی علیه مرتکب صادر نمی‌شود، مگر پس از رسیدگی و محاکمه قانونی.

امروزه صریحتر از موارد مذکور به جای اصل قانونی بودن جرم و مجازات باید از اصل قانونی بودن حقوق کیفری نام برد که طیف وسیعی از روند کیفری، علاوه بر تعقیب، تحقیق، چگونگی دادرسی، صدور حکم و نحوه اجرای احکام جزایی را نیز در بر می‌گیرد. بدین ترتیب تمام مراحل فوق باید تابع اصول قانونی بودن حقوق کیفری باشد.

اصل شخصی بودن

اصل شخصی بودن جرم از جمله دست آوردهای نظام‌های حقوقی در سده‌ها و دهه‌های گذشته می‌باشد که از اصول پیشرو حقوق محسوب می‌شود. اصل شخصی بودن مجازات‌ها در قوانین مختلف کشور ما نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. از جمله این امر پذیرفته شده، ماده ۷ (قوانین موقتی محاکمات جزایی مصوب ۴۱۲۹۱، همچنین ماده ۱ قانون راجع به مجازات اسلامی (۱۳۶۱) که قانون اخیر نیز برگرفته از ماده ۱ قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲) می‌باشد، بیان کننده اصل شخصی بودن مجازات هاست. ماده ۱

برقرار شده است، می‌باشد (Aliabadi, 1984). هر گروه حرفه‌ای همانند کانون وکلای دادگستری، پزشکان، دفاتر اسناد رسمی یا گروههای صنفی و غیره، دارای مقرراتی جهت نظم و حفظ موجودیت خویش است. تخلف از این مقررات یا اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی و اداری مستوجب کیفرهای انضباطی است. این جریمه جنبه تنبیه اداری داشته و برای حسن جریان و انتظام گروه یا موسسه در نظر گرفته می‌شود. برای تشخیص جریمه انتظامی از جزای نقدی می‌بایست مقام تعیین و اعمال مجازات و مقام و مرجع وضع قواعدی که تخلف از آن موجب جریمه انضباطی و یا جزای نقدی شده است در نظر گرفته شود. مرجع تعیین جریمه انتظامی برای خاطی، عده‌ای از کارکنان و اعضاء همان سازمان و دسته هستند در حالی که جزای نقدی از سوی قضات دادگاه‌های دادگستری تعیین می‌شود. همچنین جزای نقدی از سوی مقنن به موجب اصل قانونی بودن مجازات وضع می‌گردد. این چنین اصلی در مجازات‌های انتظامی جایگاهی ندارد؛ یعنی بدون اصل قانونی بودن، به موجب آیین نامه‌های اداری و سازمانی پیش بینی می‌شوند.

اصول حاکم بر جزای نقدی اصل قانونی بودن

قانونی بودن جرم از جمله اولین اصول سیستم‌های کیفری می‌باشد که در ده‌های گذشته مورد توجه زیادی قرار گرفته است. این اصل همانگونه که در تعیین جرم مفید و مورد استفاده می‌باشد. هرکس خصوص تعیین کیفر نیز مفید و مورد استفاده می‌باشد. هرکس افزون بر اینکه باید بداند چه رفتاری جرم است باید از عواقب این رفتار نیز آگاه باشد. علم به چند و چون مجازات شخص را به قبح و شدت کاری که در نظر دارد و از آن غافل است آگاه می‌کند.

اصل قانونی بودن مجازات‌ها همزمان برای قانونگذار که به تعیین مجازات‌ها می‌پردازد و چه برای دادرسی که فقط به موجب قانون می‌تواند حکم مجازات صادر کند و چه برای مجریان که مجازات مورد نظر را اجرا می‌کنند تکالیفی ایجاد می‌کند. همین اصل و آثار

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۰) مقرر می‌دارد قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرایم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌گردد همچنین همین موضوع در ماده ۱ ق. م. ا (۱۳۹۲) با تغییراتی تکرار شده است. جزای نقدی همواره در معرض این انتقاد قرار داشته که مخالف اصل شخصی بودن مجازات هاست و گفته شده که اعضای خانواده محکوم را نیز در برمی‌گیرد. ما پیشتر در مبحث مزایا و معایب جزای نقدی گفتیم که سایر مجازات‌ها علی‌الخصوص حبس نیز چنین است و اختصاص به جزای نقدی ندارد. با این حال، باید گفت اصل شخصی بودن مجازات‌ها واقعی نیست، آثار کیفر به نحو غیرمستقیم به اطرافیان مجرم سرایت می‌کند. صرفنظر از مورد مذکور آنچه بیشتر مهم می‌باشد، این است که از اعمال مجازات نسبت به افراد غیر مجرم ممانعت بعمل آید. در اعمال و وصول جزای نقدی، اصل شخصی بودن جزای نقدی آنچنان مصون نمانده است، نمونه بارز نادیده گرفتن اصل شخصی بودن، در تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی است. در عمل افسران و درجه داران نیروی انتظامی به جای اینکه راننده متخلف را شناسایی کنند، مالک اتومبیل را مسئول می‌شناسند و نهایت مالک خودرو مسئول پرداخت وجوه مذکور در برگهای اخطار جریمه است.

عوامل موثر بر کیفیت اجرای جزای نقدی در حقوق ایران

در زمینه تقنین جزای نقدی همانگونه که در فصول پیشین این نوشتار گفته شد، پیشینه‌ای همزمان با قوانین جزایی و مدنی کشور داشته است و در هر زمان با توجه به اهمیت بسیار زیاد جزای نقدی به عنوان یک نوع کیفر بخش‌ها و موادی از قوانین مختلف کشور به آن اختصاص یافته است؛ با این وصف و با تغییرات شکلی و ماهوی که در قوانین کیفری و آیین دادرسی در سال ۱۳۹۲ رخ داده است شاهد تغییراتی نیز در زمینه جزای نقدی در این قوانین و سایر قوانین می‌باشیم. در این بخش ضمن بررسی کیفیت

اجرای جزای نقدی در حقوق ایران در قوانین مختلف به بررسی آن در قوانین مصوب ۱۳۹۲ نیز پرداخته خواهد شد. ۴- ماده ۷ مذکور مقرر می‌دارد: در تعقیب امر جزایی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته اند.

۵- ر.ک. به: ماده ۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۱۴/۴/۱۳۵۰ و بند یک ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۰/۸/۱۳۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، به جای احکام جزای نقدی، عنوان اجرای محکومیت‌های مالی را برگزیده است. محکومیت‌های مالی، اعم است از جزای نقدی و سایر محکومیت‌ها؛ از جمله ضرر و زیان مادی، معنوی و هزینه دادرسی؛ که فاقد جنبه کیفری هستند و مجازات محسوب نمی‌شوند. به این اعتبار، در بحث پیش رو، از عنوان جزای نقدی استفاده می‌شود تا مطالب بتوانند وافی به مطلوب موضوع تحقیق باشد و با تمرکز بر مفهوم جزای نقدی مطالب ارائه شده در این بخش جنبه کیفرشناسی خود را حفظ کنند. در نهایت به نظر می‌رسد اجرای احکام جزای نقدی بهتر و گویاتر از عنوان محکومیت‌های مالی ذکر شده در قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ می‌باشد که الزاماً جنبه کیفری ندارد و طرز اجرای آن با اجرای مجازات‌ها متفاوت است.

تشدید جزای نقدی در حقوق ایران

تعدد و تکرار جرم همواره در قوانین ایران به عنوان عوامل مشدده جرم در نظر گرفته شده اند. هنگامی که جزای نقدی کیفر عمل ارتكابی است، عللی همچون تعدد و تکرار جرم از عوامل تشدید کننده جزای نقدی به حساب می‌آیند و بدین وسیله مجازات مرتکب تشدید می‌گردد. در این قسمت به بررسی تاثیر تکرار و تعدد جرم بر جزای نقدی می‌پردازیم؛ همانگونه که واضح است

فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد.

تفاوتی که در این زمینه قابل مشاهده است آن بوده است که میزان حداکثر تشدید مجازات در این ماده مشخص شده است اما حداقلی برای آن در نظر گرفته نشده است تا قاضی بتواند با توجه به اوضاع و احوال و وضعیت مجرم آن را اعمال کند و بنا بر این ماده، دیگر مجازات جرایم مختلف با هم جمع نمی‌شوند و تنها جرم اشد مشمول جریمه می‌شود و چنانچه جرم اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد و یا غیرقابل اجرا گردد مجازات اشد بعدی اعمال می‌شود. از این رو مشاهده می‌شود اگر در تعدد جرم جزای نقدی به عنوان مجازات اشد در نظر گرفته شود دیگر مانند قانون سابق تمامی مجازات‌ها با هم جمع نمی‌شوند و تنها مجازات اشد به موقع اجرا در می‌آید. همانگونه که می‌دانیم قاعده تعدد جرم در خصوص جرایم تعزیری اعمال می‌شود، که طبق ماده ۱۹ ق. م. ا. ۱۳۹۲ بسیار متنوع می‌باشند (از جمله: شلاق، حبس، جزای نقدی، مصادره اموال، انفصال دائم یا موقت از خدمت،...) از شدید تا خفیف به هشت درجه تقسیم شده اند. البته در خصوص تشخیص جرم اشد و اخف ممکن است تعارض و اختلاف نظر پیش بیاید. باید گفت که درجه بندی مذکور تنها برای تعیین درجه مجازات است و تاثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات مقرر در قوانین جاری ندارد (تبصره ۴ ماده ۱۹ ق. م. ا. ۱۳۹۲). برای مثال مجازات شش ماه تا دو سال حبس موضوع ماده ۶۴۹ ق. م. ا.، تعزیرات (سوگند دروغ) مجازات درجه شش محسوب می‌شود. حال سوال این است که اگرچه جرمی دارای دو مجازات قانونی ولی تخییری باشد، مانند موضوع ماده ۶۵۰ ق. م. ا.، تعزیرات (شهادت دروغ) که موجب محکومیت به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال حبس یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال است، ملاک حبس است یا جزای نقدی؟ به تصریح تبصره ۳ ماده

عوامل مشدده جرم به طور مستقیم بر میزان و نحوه تعیین جزای نقدی نیز موثر است.

تعدد جرم و جزای نقدی

تعدد جرم در مفهوم کلی خود هنگامی محقق می‌شود که شخص واحدی مرتکب چندین جرم گردد و برای هیچکدام از این جرایم از طرف دادگاه حکم قطعی صادر نگردیده است. به تناسب و تعادل رساندن مجازات اعمالی با درجه تباهی و خطرناکی مجرم باعث ملحوظ نظر داشتن تعدد جرم می‌شود. از اینجاست که تعدد جرم به صورت موجبی برای تشدید مجازات طرح می‌گردد. فردی کردن کیفر نیز ایجاب می‌نماید با شخصی که مرتکب چند جرم گردیده به شدت بیشتری برخورد شود. بدین منظور برای متناسب کردن جزای نقدی با موقعیت بزهکاری، در دوره‌های مختلف قانونگذاری به این کیفر به گونه‌ای مشابه با دیگر کیفرها نگریسته نشده است. تاکنون پنج دوره مشخص و مهم در قانون ایران به مقررات تعدد جرم پرداخته شده است. در این دوره‌ها حسب نقص و ابهام دوره‌های قبلی و یا مطرود نمودن سیستم گذشته، تفکری دیگر در خصوص جزای نقدی به نحوی که بی عیب نسبت به دوره‌های منسوخه نیست عرض اندام کرده است. در اینجا، مجال پرداختن به قواعد تعدد جرم نیست، صرفاً آنچه مرتبط با جزای نقدی است به صورت کلی و گذرا اشاره می‌گردد. لذا از این زاویه و دید جزای نقدی به عنوان تشدید نگریسته می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ما شاهد تغییراتی در خصوص تعدد جرم هستیم. در این قانون همانند قانون سابق به تعدد جرم پرداخته شده است؛ بر اساس ماده ۱۳۴ ق. م. ا. ۱۳۹۲: در جرایم موجب تعزیر هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم میکند و هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین مینماید. در هر یک از موارد

۱۹(ق. م. ا. ۱۳۹۲): در صورت تعدد مجازات ها، مجازات شدیدتر در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است.... برای یافتن پاسخ سوال، باید دید در فرض سوال بین مجازات حبس و جزای نقدی کدام یک شدیدتر هستند؟ در این باره تبصره ۲ ماده ۱۹ مقرر کرده است: مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می شود. در ماده ۶۵۰، حداقل مجازات آن با مجازات حبس درجه هفت تطبیق می کند و حداکثر آن با مجازات درجه شش. حداقل میزان جزای نقدی در ماده موصوف نیز با جزای نقدی درجه هشت و حداکثر آن با جزای نقدی درجه هفت منطبق است. بنابراین مجازات این جرم درجه شش محسوب می شود. ممکن است مجازات های متعدد در یک ماده، ترکیبی باشد. یعنی دادگاه مکلف باشد هم مجازات حبس و هم مجازات جزای نقدی و هم احتمالاً مجازات شلاق را مورد حکم قرار دهد. برای مثال، مجازات مقرر در ماده ۶۱۹ ق. م. ا.، تعزیرات از دو تا شش ماه حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است. در این ماده چون مجازات شلاق از درجه شش و مجازات حبس از درجه هفت به حساب آمده، مجازات این جرم (مجازات شدیدتر) با درجه شش تطبیق می کند.

نتیجه گیری

با بررسی و مطالعه متمرکز در این تحقیق و توجه به ویژگی ها، اهداف و چگونگی اجرای جزای نقدی در حقوق ایران در طول تحقیق نتایج حاصل آمد که در بخش های پیشین مورد بررسی قرار گرفت؛ لیکن در اینجا شایسته است بدون اطاله کلام و به طور مختصرتر از نوشتار حاضر به برشمردن نتایج حاصل از این تحقیق اشاره شود و در قسمت بعدی نیز با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاداتی در جهت بهبود اجرای جزای نقدی در حقوق ایران ارائه می گردد. مهمترین نتایج حاصله به شرح ذیل می باشد:

- رویکرد حقوق ایران به جزای نقدی رویکردی کیفرشناسی است. به طور کلی هدف اصلی از برقراری جزای نقدی مدنظر قرار دادن اهداف کیفری است و هدف مالی از آن غیر مستقیم و کم رنگ است. براین اساس و با تکیه بر اصول حاکم بر مجازات ها در مرحله وصول به عنوان طلب دولت نگرسته نمی شود.

- قانونگذار جزای نقدی را برای جرایم پرخطر، آنجا که امنیت داخلی و خارجی و آسایش عمومی به گونه ای شدید در معرض خطر می باشد، برقرار نکرده است و آن را به عنوان جزای جرایم سبک تر در نظر گرفته است. رویکرد کیفری ایران از برقراری این کیفر تا حدی بر پایه پرهیز از زندان های کوتاه مدت بوده، هرچند در این راه تا رسیدن به موفقیت کامل راه طولانی در پیش است. - باید گفت که با توجه به اهداف و اصول حاکم بر مجازات ها، جزای نقدی طلب دولت به حساب نمی آید و ورثه مسئول پرداخت آن نمی باشند.

- قانونگذار ایران با توجه به رویکرد کیفری که حاکم بر نظام حقوقی کشور می باشد در سیستم تبدیل حبس به جزای نقدی به لحاظ احتراز از معایب زندان های کوتاه مدت، جزای نقدی را به عنوان کیفری جانشین حبس قرار داده است. این اقدام از آنجایی که بواسطه عدم پرداخت جزای نقدی محکوم علیه زندانی (بازداشت بدل از جزای نقدی) می گردد، نقض غرض محسوب می شود.

- احتساب ایام بازداشت قبلی از جمله نکات مثبت در قوانین جدید به نفع محکوم علیه می باشد. بر اساس تبصره ۱ ماده ۵۲۹ ق. آ. د. ک. ۱۳۹۲: چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک روز از مجازات تعیین شده کسر می کند.

بند الف ماده ۵۲۹ ق. آ.د.ک (۱۳۹۲) مشاهده می‌شود، در جزای نقدی تا پانزده میلیون ریال، هر سی هزار ریال به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل می‌شود.

- در جرایم مستوجب تعزیر تخفیف جزای نقدی پذیرفته شده است، مگر آنچه که صراحتاً منع شده باشد. تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از جزای نقدی از سوی مقنن پیش بینی گردیده، لیکن ملاحظات مالی باعث شده در مواردیکه جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه است، تعلیق تمام یا قسمتی از جزای نقدی پذیرفته نشود.

- در خصوص اجرای جزای نقدی در حقوق ایران باید گفت که پرداخت حقوق مدعیان خصوصی مقدم بر پرداخت جزای نقدی است.

- جزای نقدی تجزیه پذیر است، بدین جهت عدول از بازداشت به جزای نقدی پذیرفته است و رویه دادگاه‌ها نیز حکایت از پذیرش آن دارد.

در آخر نیز لازم است به مروری بر مزایا و معایب جزای نقدی در حقوق کیفری ایران اشاره گردد. مزایای این نوع کیفر عبارتند از: الف) برخلاف مجازات زندان که موجب بروز آثار مخرب کوتاه مدت و بلند مدت در افراد می‌شود جزای نقدی از این نقیصه مبرا است. ب) اثر ارعایی جزای نقدی پایدار تر از مجازات زندان است زیرا مجرم بعد از مدتی به وضعیت زندان عادت می‌کند ولی جزای نقدی در هر بار اجرا آزار دهنده می‌باشد. ج) به لحاظ کیفرشناسی جزای نقدی قابلیت انطباق با وضعیت و شدت جرم را دارد و می‌توان آن را با شدت جرم حادث شده تعیین کرد. د) جزای نقدی را می‌توان بهترین ابزار برای مبارزه با افرای دانست که به شکل مداوم یا دفعه‌تاً دست به ارتکاب جرایم علیه اموال و مالکیت می‌زنند، زیرا به خوبی انگیزه این افراد را برای رسیدن به مقصود از بین می‌برد.

قضات اجرای احکام موظفند رعایت مراتب فوق را به هنگام اجرای حکم، مراقبت نمایند و در صورت عدم رعایت خود اقدام کنند.

موضوع این ماده در حقوق ایران نوآورانه می‌باشد و در قوانین قبلی وجود نداشته است. همچنین باید گفت تقنین چنین قانونی به طور کلی به نفع محکوم علیه می‌باشد و می‌توان به عنوان روش پسندیده و مفیدی از آن یاد کرد.

- جهت وصول جزای نقدی می‌توان اموال محکوم علیه را توقیف نمود. بر اساس ماده ۵۲۹ ق. آ.د.ک، مصوب ۱۳۹۲: هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد، اموال وی به وسیله مرجع اجرای حکم، شناسایی، توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین از محل فروش آنها نسبت به اجرای حکم اقدام می‌شود.... مشاهده می‌شود که قانونگذار اهمیت بالایی را برای محقق شدن کیفر و جبران خسارت زیان دیده را در نظر گرفته است.

- از جمله نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه جزای نقدی آن بوده است که اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری آن مورد شناسایی قرار گرفته است (مواد ۲۰ تا ۲۲)؛ در قوانین جدید اشخاص حقوقی همانند شخص حقیقی طرف دعوی قرار می‌گیرد و در صورتی که مقصر (مجرم) شناخته شود و به عنوان کیفر برای این اشخاص جزای نقدی در نظر گرفته شود تمامی شرایط و ضوابط حاکم بر اجرای جزای نقدی برای اشخاص حقوقی نیز قابل تعمیم می‌باشد.

- نوآوری دیگری که در قانون آیین دادرسی کیفری قابل مشاهده می‌باشد ماده ۵۲۹ این قانون می‌باشد. در این ماده مشاهده می‌شود در صورتی که محکوم علیه به هر عنوان و دلیلی نتواند از عهده پرداخت جزای نقدی برآید دیگر او به حبس محکوم نخواهد شد و معادل جزای نقدی که از طرف دادگاه در نظر گرفته شده است می‌بایست به خدمات عمومی رایگان گمارده شود برای مثال در

جزای نقدی کمتری را در نظر گرفت و در عین حال برای شخص میانسال که از تمکن بالایی برخوردار است و همچنین سابقه کیفری نیز دارا می‌باشد جزای نقدی سنگین تری در نظر گرفت؛ با اعمال دقیق اصل فردی کردن می‌توان به هدف عدالت کیفری در این زمینه دست یافت.

۳- بنابر اصل سی و ششم قانون اساسی، اصل لزوم دادرسی کیفری جهت انطباق عمل مجرمانه با قانون و اعمال جزای نقدی رعایت شده، مرجعی غیر از دادگستری برای اعمال این کیفر در نظر گرفته نشود.

۴- از آنجایی که قانونگذار برای بازداشت بدل از جزای نقدی به ازای هر سیصد هزار ریال یک روز حبس در نظر گرفته و بلعکس. حال اگر مجازات مجرم کمتر از سیصد هزار ریال یا حبس کمتر از بیست و چهار ساعت باشد که خلائی در قانون ما می‌باشد در تعیین این مجازات تکلیف چیست؟ که اگر قانونگذار در اصلاحات آتی اینگونه موارد را مد نظر قرار دهد مناسب تر به حال مجرم است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The criminological evaluation of monetary fines occupies a central position in contemporary criminal justice systems, particularly in jurisdictions seeking to mitigate the adverse social and institutional consequences of short term imprisonment. Within Iranian criminal law, monetary fines have progressively evolved from a marginal sanction into a structurally significant penal instrument, justified primarily through criminological objectives such as deterrence, proportionality, and crime prevention. The theoretical foundation of this transformation lies in the recognition that punishment must

همچنین در کنار مزایای جزای نقدی می‌بایست از معایب آن نیز نام برد، از جمله: الف) در اعمال جزای نقدی به عنوان کیفر جرم اصل برابری بین افراد رعایت نمی‌شود زیرا در این بین کسانی که از تمکن مالی خوبی برخوردار هستند از اعمال جزای نقدی آسیب کمتری می‌بینند و فقرا و تهیدستان آسیب بیشتری را متحمل می‌شوند. ب) در خصوص اجرای جزای نقدی باید گفت که هیچگاه اجرای این کیفر به شکل کامل تضمین نشده است زیرا با ثبوت اعسار محکوم علیه جزای نقدی وصول نمی‌گردد و در نهایت نیز بازداشت بدل از جزای نقدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ج) سرزنش عمومی و عرفی جزای نقدی در مقابل سایر کیفرها کمتر بوده و محکوم علیه در این خصوص احساس آزار و یا ترسی به خود راه نمی‌دهد.

پیشنهادها و تحقیق

۱- به منظور اثرگذاری و کارایی بهتر جزای نقدی، قانونگذار صرفاً اهداف کیفری را در تعیین این مجازات ملحوظ نظر قرار دهد و اهداف مالی را در این تصمیم دخیل نداند.

۲- فردی کردن هر چه بیشتر جزای نقدی در جهت اجرای عدالت کیفری لازم می‌نماید و اگر تقنین و اجرای جزای نقدی را منوط به اوضاع، احوال و شرایط محکوم علیه و همچنین سابقه او بدانیم مثلاً می‌بایست برای فردی جوان تر و فقیر که سابقه کیفری ندارد

correspond to the nature of the offense while simultaneously minimizing secondary harms to offenders, families, and society at large. Iranian legislative policy has increasingly adopted monetary fines as both an independent and complementary sanction, especially for minor and economic crimes, reflecting a broader shift toward non custodial penalties. This development aligns with criminological critiques of short term imprisonment, which emphasize its limited rehabilitative value and its tendency to exacerbate recidivism and social marginalization. Scholars have emphasized that monetary fines, when properly calibrated,

can function as an effective deterrent without producing the stigmatizing and disruptive effects associated with incarceration (Goldoziyan, 2022). Nevertheless, the expansion of monetary fines has also generated doctrinal debates concerning their legal nature, enforceability, and compatibility with fundamental principles of criminal law, particularly legality and personal responsibility. These debates underscore the necessity of a systematic criminological analysis of monetary fines within Iranian law, one that situates this sanction within the broader framework of criminal policy and penal rationality.

From a doctrinal perspective, Iranian criminal law conceptualizes monetary fines as punitive measures rather than civil debts, a distinction that carries significant legal consequences. Unlike compensation for damages, monetary fines are imposed exclusively pursuant to statutory authority and serve the public interest in maintaining social order. This punitive character is reinforced by the principle of legality, which requires that both crimes and punishments be clearly defined by law. Iranian constitutional and statutory provisions explicitly mandate that criminal sanctions, including monetary fines, may only be imposed by competent judicial authorities and in accordance with enacted legislation. This legal framework affirms that monetary fines are not designed to generate revenue for the state but to fulfill criminological aims such as deterrence and proportional punishment. The non transmissibility of monetary fines upon the death or incapacity of the offender further illustrates their penal nature, distinguishing them from civil liabilities (Rostami, 2024). Despite this clarity, practical challenges persist, particularly in cases where non payment leads to substitute detention, a mechanism that arguably undermines the original objective of avoiding imprisonment. Critics contend that such substitute detention

transforms monetary fines into a de facto custodial sanction, thereby negating their criminological advantages (Roudkhanegi, 2022). This tension highlights the complexity of integrating monetary fines into a coherent penal system that genuinely prioritizes non custodial responses.

The criminological effectiveness of monetary fines varies significantly depending on the type of offense and the socioeconomic status of offenders. Empirical and theoretical analyses suggest that monetary fines exhibit the greatest deterrent impact in financial and economic crimes, where offenders are motivated by material gain and are therefore more responsive to financial sanctions. In such contexts, monetary fines can directly counteract the incentives underlying criminal behavior, thereby reinforcing their preventive function. However, the indiscriminate application of monetary fines across diverse categories of crime raises concerns regarding equity and proportionality. Inflationary pressures further complicate this issue by eroding the real value of fixed fines over time, diminishing their deterrent capacity and necessitating continual legislative adjustment. Scholars have warned that excessive reliance on monetary fines may violate the principle of equality before the law, as affluent offenders may perceive fines as negligible while economically disadvantaged individuals face disproportionate hardship (Haghi, 2021). These concerns underscore the importance of individualized sentencing and the incorporation of offender circumstances into judicial decision making. Iranian legal scholarship has increasingly emphasized the need for a differentiated approach to monetary fines, one that balances criminological effectiveness with social justice considerations (Shahbaz, 2022).

A critical dimension of the criminological analysis of monetary fines in Iranian law concerns their relationship with other

financial sanctions, including tax penalties, civil damages, and disciplinary fines. Although these sanctions share superficial similarities, they differ fundamentally in legal basis, purpose, and enforcement mechanisms. Monetary fines are imposed through judicial proceedings as criminal punishments, whereas tax penalties are typically administered by non judicial authorities and function primarily as compensatory measures for public revenue losses. The non applicability of mitigating factors such as suspension or reduction to tax penalties further distinguishes them from criminal fines (Ardabili, 2014). Civil penalties, by contrast, are rooted in contractual or tortious obligations and aim to compensate injured parties rather than punish offenders. These distinctions are essential for preserving doctrinal coherence and preventing the conflation of punitive and compensatory sanctions. Iranian legal doctrine has consistently maintained that monetary fines must adhere to criminal law principles, including personal responsibility and proportionality, principles that do not uniformly govern other financial sanctions (Ashouri, 2020). Failure to respect these distinctions risks undermining the legitimacy of monetary fines and weakening their criminological justification.

Recent legislative reforms in Iran have introduced significant innovations in the regulation and enforcement of monetary fines, reflecting an evolving criminal policy orientation. The Islamic Penal Code and the Criminal Procedure Code enacted in 2013 expanded the scope of monetary fines by recognizing the criminal liability of legal persons and authorizing the substitution of community service for unpaid fines. These reforms represent a deliberate effort to address longstanding deficiencies in the enforcement of financial sanctions and to reduce reliance on substitute detention. The

deduction of pretrial detention periods from monetary fines constitutes another notable innovation, enhancing fairness and proportionality in sentencing. By institutionalizing these mechanisms, Iranian lawmakers have sought to strengthen the non custodial character of monetary fines and align their application with contemporary criminological standards. Nevertheless, the effectiveness of these reforms depends largely on consistent judicial implementation and adequate institutional support. Without such support, monetary fines risk becoming symbolic rather than substantive alternatives to imprisonment, failing to achieve their intended criminological outcomes.

In conclusion, the criminological approach of Iranian law to monetary fines reflects a complex interplay between theoretical aspirations and practical constraints. Monetary fines have emerged as a central component of Iran criminal policy, grounded in objectives of deterrence, proportionality, and the reduction of short term imprisonment. While legislative reforms have significantly enhanced the legal framework governing monetary fines, persistent challenges remain in ensuring their equitable and effective application. The success of monetary fines as a non custodial sanction ultimately depends on careful calibration, individualized sentencing, and robust enforcement mechanisms that avoid reverting to substitute detention. A sustained commitment to criminological principles is therefore essential for realizing the full potential of monetary fines within the Iranian criminal justice system.

References

- Aliabadi, A. (1984). *Introduction to the Supreme Court Unifying Decision No. 233 (1970-12-09) of the General Board of the Supreme Court* (1st ed.). Hosseiniyeh Ershad Publishing.
- Ardabili, M. A. (2014). *General Criminal Law, Volume 3* (4th ed.). Mizan Publishing.
- Ashmolek, R., & Pica, G. (2015). Criminology and the Science of Prison-Will. قضایابی *Monthly (Judicial Monthly)*(114).

- Ashouri, M. (2020). The Role of the Victim of Crime and Its Evolution in Criminal Proceedings. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*(34).
Civil Liability Act (Iran).
Code of Criminal Procedure (Enacted 2013), (2013).
Code of Criminal Procedure for General and Revolutionary Courts in Criminal Matters (Enacted 1999), (1999).
Executive Bylaw of the Law on the Enforcement of Financial Convictions (Issued 2013), (2013).
Garraud, R. (2019). *Theoretical and Practical Studies in Criminal Law, Volume 2* (10th ed.). Ganj-e Danesh Publishing.
Goldoziyan, I. (2022). *Essentials of General Criminal Law (1-2-3)* (15th ed.). Mizan Publishing.
Haghi, M. A. (2021). *A Comparative Legal and Criminological Analysis of Monetary Fines in Legislative Criminal Policy in Iran and France* [Master's thesis, University of Isfahan]. Isfahan.
Houman, A. (2020). *Prison and Prisoners, or the Penitentiary Regime* (1st ed.). University of Tehran Press.
Islamic Penal Code (Enacted 2011), (2011).
Islamic Penal Code (Enacted 2013), (2013).
Jafari Langarudi, M. J. (2021). *Legal Terminology* (7th ed.). Ganj-e Danesh Publishing.
Law on the Adjudication of Driving Offenses (Enacted 2011), (2011).
Law on the Enforcement of Financial Convictions (Enacted 2015), (2015).
Law on the Enforcement of Financial Convictions (Enacted 2021), (2021).
Malek Esmaeili, A. (2018). *General Criminal Law* (3rd ed.). University of Tehran Press.
Rostami, M. (2024). *Examining the Punishment of Fine (Monetary Penalty) in Iran's Criminal Policy* [Master's thesis (Criminal Law and Criminology), Payame Noor University (Tehran)]. Tehran.
Roudkhanegi, H. M. (2022). *Criminology of Monetary Fine Sentences* [Master's thesis (Criminal Law and Criminology), Payame Noor University (Tehran)]. Tehran.
Samiei, H. (2011). *General Criminal Law* (7th ed.). Ganj-e Danesh Publishing.
Shahbaz, M. (2022). A Study on the Reciprocal Substitution of Imprisonment and Monetary Fine. *Dadrasi Monthly*(66).
Taghi Khani, B. (2020). *The Punishment of Compensation (Gharamat) in Iranian Law* [Doctoral dissertation, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran]. Tehran.